

ظرفیت ادعیه اهل بیت علیهم السلام در تفسیر قرآن و نقش آن در مبانی انسان شناسی علوم انسانی

محمود کریمی*

علی عبدالله زاده**

چکیده

سخنان اهل بیت علیهم السلام که در مجموعه های حدیثی گردآمده، گنجینه ای است که می تواند بشریت را از ورطه هلاک نجات داده و به مسیر رشد هدایت نماید. در این میان ادعیه صادره از آن بزرگواران از جهات متعددی دارای امتیاز و برتری هستند. امتیاز ادعیه را می توان در سه محور گستردگی مخاطبان، غنای محتوا و ظرفیت سازی در تفسیر قرآن کریم ملاحظه کرد. از آن جا که ادعیه اهل بیت علیهم السلام آن گاه که به صورت الفاظ در می آیند، بیانگر شیوه ارتباط جلوه بشری آن حضرات با خداوند است؛ نیایش های ماثور از ایشان می تواند دلالت های مهمی در مبانی انسان شناسی علوم انسانی داشته باشد. مقاله حاضر ضمن تبیین قلمرو مخاطبان ادعیه به بررسی غنای محتوایی آن ها، و تأثیر این غنا و ظرفیت بر تفسیر قرآن کریم، و نیز دلالت های حاصله از این تأثیر بر کشف و تبیین مبانی انسان شناسی علوم انسانی می پردازد و به عنوان نمونه، نقش ادعیه در تبیین برخی مبانی انسان شناسی مانند: مسؤولیت، امانت داری، تربیت پذیری و تنوع انسانی را بررسی می کند.

* دانشیار دانشگاه امام صادق (ع) karimiimahmoud@gmail.com

** (نویسنده مسئول)، دانشجوی دکتری دانشگاه امام صادق (ع) و عضو مرکز رشد دانشگاه،

Aliabdollah68@gmail.com.



بیان مسئله

تعداد فراوان مکاتب و اندیشه‌های بشری که به توصیف، تحلیل و توصیه درباره انسان و رفتارهای انسانی می‌پردازند و تضاد و اختلافی که در موضوعات گوناگون در میان این مکاتب به چشم می‌خورد، سبب سردرگمی و ابهام بشر در انبوه نظریات مختلف گشته است. در این میان ادیان تحریف شده الهی و غیر الهی متعددی که هر یک داعیه پاسخگویی به پرسش‌های انسانی را دارند نیز نتوانستند درمانی برای این مشکل باشند. شاید یکی از مهم‌ترین دلائلی که این اندیشه‌ها در کنار ادیان نتوانسته‌اند پاسخ صحیحی به نیازهای انسانی بدهند عدم امکان جمع بین مادیت و معنویت و ارائه راهکاری جامع برای مدیریت این دو ساحت وجودی انسان بوده است. این در حالی است که یکی از مهم‌ترین ظرفیت‌های دین اسلام توان جمع میان مادیت و معنویت است که به همین جهت نیز توانسته است، در بحران دنیاگرایی افراطی با جمع میان دو ساحت وجودی انسان به توفیق دست یابد. به بیان یکی از محققان معاصر، تطبیق‌پذیری اجرای شعایر اسلامی در همه مکان‌ها و زمان‌ها در حضر یا در سفر، هماهنگ‌سازی درون آدمی بر حسب آموزه توحید و متعادل ساختن وی با رسمیت شناختن ارضای نیازهای گوناگون جسمی و روحی، عدم حصر جریان وحی دین و تأیید و حیانی بودن شریعت‌های سابق و دعوت به مشارکت فعال اجتماعی، و جمع آن با زیست عرفانی بر اساس خطاب عرفان اسلامی به فطرت پایدار انسانی سبب پدید آمدن جاذبه دینی اسلام برای جوامع شده است (نصر، ۱۳۸۲، ص ۳۷). در این میان عنصر دعا و به ویژه ادعیه اهل‌بیت علیهم‌السلام می‌تواند به عنوان یکی از مهم‌ترین عناصر داعیه‌دار فکر اصیل اسلامی به دور از انزوا گرایی و دنیازدگی طرح شود که به ارائه مکتبی متعادل جهت رشد و تعالی انسانی منجر می‌شود. ظرفیت ادعیه اهل‌بیت علیهم‌السلام از این نظر ظرفیتی بی‌نظیر است و به راحتی می‌تواند مرزبندی‌های فرض شده از سوی افراد و گروه‌ها را در نوردد تا طیف‌های گوناگون توان برقراری تعامل با آن را داشته باشند. در بررسی این ظرفیت ویژه چند سؤال مهم وجود دارد که این مقاله در صدد پاسخگویی به آن‌ها است:

الف) قلمرو مخاطبان ادعیه اهل بیت علیهم السلام چیست و چه ظرفیت محتوایی در ادعیه آنان نهفته است؟

ب) نقش ویژه ادعیه اهل بیت علیهم السلام در تفسیر قرآن چیست؟

ج) ارتباط ادعیه با مبانی انسان‌شناسی علوم انسانی و نقش آن در تبیین این مبانی چیست؟

در خصوص ارتباط ادعیه و تفسیر کتب و مقالاتی به رشته تحریر درآمده است. از جمله آنها می‌توان به بررسی‌های نوینی مانند بینامتنیت در این عرصه اشاره نمود. (برای نمونه‌هایی از این مقالات نک مختاری، محبی، ۹۳، ۸۳-۹۹، فتاحی زاده، داودی، ۱۳۹۵، ص ۷-۳۰، ستوده نیا، محققیان، ۱۳۹۵، ۲۱-۳۶، اقبالی، حسن خانی، ۳۱-۴۲، حسنعلیان، ۱۳۹۲، ص ۶۰۱ تا ۶۲۳). هم‌چنین تحقیقاتی درباره ارتباط ادعیه با قرآن کریم با توجه به اسلوب‌هایی همچون اقتباس، تلمیح، تضمین و جری و تطبیق انجام شده است (به عنوان نمونه نک خیاط، مهدوی راد، ۱۳۹۱، ص ۹۰-۱۱۰، غلامعلی، ۱۳۸۹، ص ۱۱۹-۱۴۸). نیز در باب دلالت ادعیه در مبانی انسان‌شناسی تلاش‌هایی از سوی برخی محققان انجام شده است. در این باره می‌توان به بیان آیت‌الله جوادی آملی اشاره نمود که به بررسی ویژگی‌های انسان در صحیفه سجادیه پرداخته‌اند. ایشان که در مباحث قرآنی خود انسان را فراتر از حیوان ناطق و به عنوان حی متأله معرفی نموده‌اند (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ص ۶۹) با بررسی دعای اول صحیفه سجادیه و عبارت «و الحمد لله الذی لو حبس عن عباده معرفه حمده علی ما أبلاهم من مننه المتتابعه و اسبغ علیهم من نعمه المتظاهره لتصرفوا فی مننه فلم یحمدوه و توسعوا فی رزقه فلم یشکروه و لو کانوا کذلک لخرجوا من حدود الانسانیه الی حد البهیمیه فکانوا کما وصف فی محکم کتابه ان هم الا کالانعام بل هم اضل سبیلا.» انسان را فراتر از حی متأله با عنوان حی حمید شناسانده‌اند (جوادی آملی، ۱۴۲۵، ص ۲۵). هم‌چنین این مفسر بزرگوار اصل احتیاج و فقر انسان و اصل مفطور بودن وی بر عبادت که می‌تواند از مبانی انسان‌شناسی علوم انسانی باشد را از ادعیه صحیفه سجادیه استفاده نموده‌اند (جوادی آملی، ۱۴۲۵، ص ۲۳ و ۲۸). وجه فانوس دیگر محققى که به بررسی موضوع انسان در ادعیه برگزیده از صحیفه

سجادیه پرداخته، از مجموع ادعیه بررسی شده، به این نتیجه رسیده است که وجود انسانی از دید امام سجاد علیه السلام در میان دو مؤلفه تسلیم در برابر خدا، و از سوی دیگر لزوم پذیرش مسئولیت در قبال این تسلیم در برابر نفس خود و دیگران است (فانوس، ۱۴۲۵، ص ۱۱۰ و ۱۱۱). کتاب چیستی و بایستی انسان از دیدگاه صحیفه سجادیه دیگر نوشته در این باب است که نگارنده در آن سعی نموده است تا ضمن بررسی موضوع انسان‌شناسی از دیدگاه امام سجاد علیه السلام، صفات مثبت و منفی، نقاط قوت و ضعف و عوامل صعود و سقوط بشر را معرفی نماید و انسان آرمانی از دیدگاه صحیفه سجادیه را ترسیم نماید (فرزانه، ۱۳۹۲، ص ۱۵-۱۱۶). با وجود این، تحقیقی که تخصصاً به ظرفیت ادعیه در تفسیر قرآن کریم و نقش آن در تبیین مبانی انسان‌شناسی از این طریق پرداخته باشد نگاشته نشده است.

بیان مفاهیم

در ابتدا لازم است جهت روشن شدن مقصود از مفاهیم اساسی مورد بحث در مقاله، به تبیین آنها بپردازیم.

الف) دعا

دعا در لغت به معنی معطوف ساختن نظر فرد خواننده شده و جلب توجه او است که به این ترتیب اعم از نداء است و اختصاصی به خواندن با لفظ ندارد. به همین جهت تعبیر "دعا" به معنی خواندن می‌تواند درباره خداوند نیز استعمال شود. «والله یدعو الی دار السلام» دعا درباره خدا تکوینی و ایجاد است؛ اما درباره انسان به معنی تلاش برای جلب رحمت و عنایت الهی است که با قرار گرفتن در مقام عبودیت و مملوکیت حاصل می‌شود (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۰، ص ۳۸).

ب) علوم انسانی

با در نظر گرفتن تعاریف مختلف و جمع‌بندی آن‌ها می‌توان علوم انسانی را چنین تعریف کرد: علمی که با استفاده از روش‌های عقلی، نقلی، شهودی و نه صرفاً تجربی به شناخت و مطالعه انسان بما هو انسان و به شناخت جوامع انسانی می‌پردازند و به تبع آن بر انسان و جامعه انسانی نیز تأثیرگذار هستند. بنابراین می‌توان مسائل آن را به دو دسته مسائل توصیفی و توصیه‌ای تقسیم‌بندی نمود. (کریمی، ۱۳۹۶، ص ۲۳۶).



ج) مبانی انسان‌شناسی

توصیفات و توصیه‌هایی که در علوم انسانی انجام می‌شوند همگی در حوزه شخصیت‌شناسی و رفتارشناسی انسان انجام می‌شوند و مسبوق به دسته‌ای از مبانی هستند. از جمله مهم‌ترین این مبانی، مبانی انسان‌شناسی است. در تعریف انسان‌شناسی می‌توان گفت که هر منظومه معرفتی را که به بررسی بعد یا ابعادی از وجود انسان یا گروه و قشر خاصی از انسان‌ها می‌پردازد؛ انسان‌شناسی است. انسان‌شناسی انواع مختلف و متنوعی دارد که به لحاظ روش، یا نوع نگرش از یکدیگر متمایز می‌شوند. این مقوله را می‌توان بر اساس روش به انسان‌شناسی تجربی، عرفانی، فلسفی و دینی و با توجه به نوع نگرش به انسان‌شناسی کلان یا کل‌نگر و انسان‌شناسی خرد یا جزءنگر تقسیم کرد. (رجبی، ۱۳۸۰، ص ۲۱). مبانی انسان‌شناسی به طور مستقیم با مبانی دینی ارتباط برقرار می‌سازند، زیرا آنچه پیامبران از سوی خدا به عنوان دین آورده‌اند نیز هدفی جز شناساندن حقیقت انسان به وی و تعالی دادن او نداشته است. در واقع می‌توان این‌گونه بیان نمود که دین الهی دارای منبعی است که همان دین است و از این منبع موادی استخراج می‌گردد که در قالب عقل و نقل بیان می‌شود. این مواد در توصیف و توصیه بر انسان موحد اعمال می‌شوند و او را به بهشت سوق می‌دهند. اما در صورتی که انسان از غیر راه الهی شناخته شود نیز می‌توان برای این شناخت منبع، مواد، موضوع و غایتی فرض نمود. در این فرض به ناچار این هوا و هوس خواهد بود که به عنوان منبع مطرح خواهد گشت. «أفرأیت من اتخذ إلهه هواه أفأنت تكون علیه وکیلاً» وهم، خیال، شهوت و غضب نیز مواد این انسان‌شناسی خواهند بود و نهایتاً موضوع آن انسانی است که به این انسان‌شناسی تن داده است و غایت آن هم سقوط در جهنم خواهد بود. به همین جهت نیز مشاهده می‌شود که نظریاتی که در باب انسان وجود دارد متعارض و متناقض با یکدیگر است. زیرا با توجه به عدم وجود منبعی اصیل برای انسان‌شناسی لاجرم این هوا و هوس است که بر این نظریات غالب خواهد گشت (در این زمینه نک جوادی آملی، ۱۳۸۰، ص ۳۲-۳۴). پس از بیان مفاهیم، نخستین مسئله مقاله یعنی قلمرو مخاطبان ادعیه مورد بحث قرار می‌گیرد.

۱. قلمرو مخاطبان ادعیه

با توجه به اینکه مقاله حاضر در صدد است نقش دعا را در تبیین مبانی انسان‌شناسی بررسی نموده و این مبانی باید انسان بما هو انسان را تحت پوشش خود قرار دهد، ضروری است نخست قلمرو مخاطبان ادعیه مورد بررسی قرار گیرد. مخاطبان ادعیه صرفاً پیروان اهل‌بیت علیهم‌السلام نبوده، بلکه پیروان مذاهب مختلف اسلامی نیز از ادعیه اهل‌بیت علیهم‌السلام بهره‌مند می‌گردند. افزون بر این، غیر مسلمانان و پیروان سائر مکاتب هم با استفاده از ادعیه اهل‌بیت می‌توانند بخشی از نیازهای فطری و معنوی خود را تأمین کنند. در ادامه به بررسی این مهم می‌پردازیم.

۱-۱. ظرفیت فرا دینی ادعیه اهل‌بیت علیهم‌السلام

در شرایطی که دنیای مدرن برای درک تجربه معنوی دست به معنویت‌های کاذب زده است ادعیه اهل‌بیت علیهم‌السلام با توجه به زبان ساده و در عین حال محتوای عمیق خود، این توان را دارند که برای مخاطبان جهانی و فرا دینی در سطح عموم سخنی برای گفتن داشته باشند. گرچه این قابلیت درباره ادعیه اهل‌بیت علیهم‌السلام آن قدر روشن است که نیازی به ذکر استدلال و یا نشان دادن نمونه ندارد، با وجود این، نمونه‌های متعددی را برای اثبات این مطلب می‌توان ذکر کرد. به عنوان نمونه در این مورد می‌توان از ویلیام چیتیک نام برد که ضمن ترجمه صحیفه سجادیه به زبان انگلیسی، بر آن مقدمه‌ای نگاشته است. وی در مقدمه خود درباره جایگاه دعا در میان سائر متون دینی می‌گوید: «به رغم مطالعاتی که عدم صحت این نظر را نشان داده‌اند بسیاری از مردم غربی هنوز گمان می‌کنند که اسلام حقیقی معادل بساطت، جمود، قانون زدگی، ظاهرگرایی و خدایی عادل و متعالی است ... اما می‌خواهم بگویم که اثری مانند صحیفه، بُعدی درونی از اسلام را به نمایش می‌گذارد که یافتن آن در متون نخستین دیگر بسیار دشوار است» (چیتیک، ۱۳۸۵، ص ۸۵۱).

۱-۲. ظرفیت فرامذهبی ادعیه اهل‌بیت علیهم‌السلام

اختلاف میان امت اسلامی در زمینه‌های گوناگون سبب پیدایش فرقه‌های متعددی در جهان اسلام شده است. این اختلافات در حوزه‌های گوناگون از جمله در حوزه کلام، فقه، فلسفه، تفسیر و حدیث قابل مشاهده است. در این میان تکیه بر روی مشترکات مذاهب در حوزه‌های متعدد علاوه بر ظرفیت همراه سازی فرقه‌های مختلف اسلامی در درک و پذیرش حقیقت، قابلیت ایجاد وحدت میان امت اسلامی را نیز دارا است. ادعیه اهل بیت علیهم السلام را که بر روی اصل مشترک توحید و رابطه محب و محبوب متمرکز شده و به انحاء منحصر به فردی به تبیین و توضیح آن در ساحات مختلف فردی و اجتماعی می‌پردازند می‌توان از جمله مهم‌ترین عناصر معرفتی وحدت آفرین برشمرد. این وحدت آفرینی از گذشته تا به حال نمونه‌های فراوانی داشته و از زمان حیات معصومان تاکنون ادامه داشته است. به عنوان نمونه‌ای در این باب می‌توان به فراگیری ادعیه امام سجاد علیه السلام و تمایل به حفظ این ادعیه در دوران آن حضرت از سوی طیف‌های گوناگون اشاره نمود. از آن جمله می‌توان به عایشه همسر پیامبر، طاووس یمانی و زید بن أسلم اشاره نمود که هر یک از این سه تن به نقل دعا از امام سجاد علیه السلام پرداخته‌اند (نک درباره عائشه: سبط بن الجوزی، ۱۴۱۸، ص ۲۹۷؛ درباره طاووس یمانی: ابن ابی الدنيا، ۱۴۰۸، ص ۶۷، میرد، ۱۴۲۱، ص ۱۰۵؛ درباره زید بن أسلم: ابن عساکر، ۱۴۱۵، ج ۴۱، ص ۳۸۲). لازم به ذکر است عائشه در سال ۵۷ از دنیا رفته است و در صورت صحت نقل صورت گرفته از وی می‌توان دریافت که امام سجاد از جوانی و پیش از رسیدن به مقام امامت، به دعا مشهور بوده‌اند. فرامذهبی بودن ادعیه اهل بیت علیهم السلام در دوره کنونی نیز قابل مشاهده است. یکی از محققان معاصر در این باره می‌گوید: «زبان دعا و ادعیه مأثور نیز خود مسئله‌ای قابل توجه است. این امر که دعاهایی از یک معصوم صادر گردد و به عنوان سنت و اثر از سوی دیگر مسلمین حفظ و تکرار شود پدیده‌ای است که نمونه‌هایش در ادعیه مأثور از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نیز دیده می‌شود اما این سنت در ادعیه مضبوط از امام زین العابدین علیه السلام به اوج خود رسیده است و ادعیه رضوی نیز در همان راستا است. در واقع باید توجه داشت زبان دعا زبانی غیرمستقیم است ... همین ویژگی موجب می‌شود تا دعا به عنوان گونه‌ای بی‌آنکه دارای زبانی غیر مستقیم است هم بتواند از آن رو که اندرز مستقیم نیست در مخاطبان اثرگذاری بیشتری داشته

باشد و هم از آن رو که به ظاهر قصد اعلام چیزی را ندارد در شرایط تقیه و اوضاع نابسامان اجتماعی و سیاسی به عنوان یک پوشش برای اشاعه تعالیم مورد استفاده قرار گیرد.» (پاکتچی، ۱۳۹۲، ص ۲۰۳). به عنوان نمونه‌ای عینی در این باب می‌توان به مقاله عالم آفریقایی احمد تیجان سیلا با عنوان «علاقة المسلمین الأفارقة بأهل البيت عبر الصحيفة السجادية» اشاره نمود (تیجان سیلا، ۱۴۲۵، ص ۳۱۴-۳۱۶). همین ظرفیت است که سبب می‌شود مرجع بزرگوار آیت‌الله نجفی مرعشی شرح سید علی بن معصوم بر صحیفه سجادیه را برای طنطوی دانشمند مصری ارسال کنند و او نیز با شوق به مطالعه این کتاب بپردازد. (رفیعی، ۱۳۷۳، ص ۲۵۶).

۲. ظرفیت‌های معرفتی ادعیه

ادعیه به عنوان راه ارتباط میان خالق و مخلوق دلالت‌ها و ظرفیت‌هایی دارند که در سائر کلمات یافت نمی‌شود. در این میان ادعیه مأثوره ظرفیت عظیمی در قیاس با ادعیه غیر مأثوره و هم چنین در قیاس با سائر کلمات اهل بیت علیهم السلام دارند که در ادامه به بررسی آن خواهیم پرداخت.

۲-۱. ادعیه اهل بیت (ع) بازتاب دهنده عین الفاظ اهل بیت (ع)

نقل به مضمون یا نقل به معنی عبارت است از نقل محتوای آنچه اهل بیت علیهم السلام بیان داشته‌اند، هرچند لزوماً عین الفاظی که از آن بزرگواران شنیده شده است در نقل رعایت نگردد. این پدیده را اهل بیت علیهم السلام در صورتی که اخلاقی در معنا وارد نسازد، جائز دانسته‌اند. البته نقل به معنی در صورتی که بخواهد به صورت صحیح انجام گیرد شروطی دارد که محققان به بیان آن‌ها پرداخته‌اند. (در این باره ر.ک میرزای قمی، ۱۳۷۸، ص ۴۸۱). اما آنچه مهم است و می‌توان آن را به عنوان یکی از ظرفیت‌های مهم در ادعیه اهل بیت علیهم السلام دانست اهمیت حفظ و نقل عین الفاظی است که آن بزرگواران در ادعیه به کار می‌برده‌اند. محققان میان ادعیه و غیر ادعیه در امر نقل به معنی تفاوت قائل شده‌اند (میرزای قمی، ۱۳۷۸، ص ۴۸۲، همچنین در این زمینه نک اکبر نژاد، ۱۳۸۷، ص ۹۹-۱۳۷). این تفاوت به این جهت است که دعا برای اثرگذاری در عالم تکوین هم انشاء می‌گردد و این اثرگذاری با متفاوت شدن کلمات دچار تفاوت و تغییر

خواهد گشت. این ظرفیت می‌تواند به عنوان ظرفیت مهمی در ماهیت معارف ناب اهل علیهم‌السلام مطرح گردد.

۲-۲. ظرفیت ادعیه اهل‌بیت (ع) در انعکاس معارف معصومین (ع)

ادعیه دارای خصوصیات ممتازی هستند که آن‌ها را از سایر کلمات اهل‌بیت علیهم‌السلام جدا می‌سازد. بنابراین تصور یکسانی مفاد ادعیه با سایر روایات باوری ناصحیح است. یکی از مهم‌ترین این تمایزها تمایزی است که در مقام خطاب وجود دارد. در واقع بسیاری از احادیث اهل‌بیت علیهم‌السلام دارای وجه صدور و مخاطب محور است (میرزای قمی، ۱۳۷۸، ص ۴۸۱). ریشه اختلاف بدوی موجود در احادیث فقهی، تفسیری و اعتقادی نیز به همین مطلب باز می‌گردد. این مسئله را می‌توان به خوبی در حدیثی که به تفسیر عبارت «ثم لیقضوا تفتهم» می‌پردازد و ابتدا قضاء تفت را به معنی رفع آلودگی دانسته و سپس آن را به لقاء امام تعبیر می‌نماید و سرّ این مطلب را در اختلاف میان پرسشگران از معنی آیه معرفی می‌کند، مشاهده نمود (کلینی، ۱۳۸۸، ج ۴، ص ۵۴۹). اما این مشکل در ادعیه کمتر به چشم می‌خورد و با توجه به اینکه در ادعیه، مخاطب اهل‌بیت علیهم‌السلام ذات باری بوده است، کمتر شاهد اختلاف و تفاوت هستیم (مصباح یزدی، ۱۳۷۶، ص ۷۹ و ۸۰). استاد حسن‌زاده آملی نیز در این باره می‌فرماید: «ادعیه مأثوره هر یک مقامی از مقامات انشائی و علمی ائمه دین است. لطائف شوقی و عرفانی و مقامات ذوقی و شهودی که در ادعیه نهفته‌اند و از آنها مستفاد می‌شوند در روایات وجود ندارند و دیده نمی‌شوند زیرا در روایات، مخاطب، مردم‌اند و با آنان محاورت داشتند و به فراخور عقل و فهم و ادراک و معرفت آنان با آنان تکلم می‌کردند و سخن می‌گفتند، نه به کنه عقل خودشان هر چه را که گفتنی بود بگویند. فی الکافی عن الصادق علیه‌السلام: ما کلم رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم العباد بکنه عقله قطّ (کلینی، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۲۳). در روایت دیگر نیز آمده است: قال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم: انا معاشر الانبياء امرنا ان نكلّم الناس علی قدر عقولهم (همان). اما در ادعیه و مناجات‌ها

با جمال و جلال و حسن مطلق، و محبوب و معشوق حقیقی در راز و نیاز بودند لذا آنچه در نهانخانه سرّ و نگارخانه عشق و بیت‌المعمور ادب داشتند به زبان آوردند و به کنه عقل خودشان مناجات و دعا داشتند.» (حسن‌زاده آملی، حسن، ۱۳۷۶، ص ۳۱).

۲-۳. ظرفیت ادعیه اهل‌بیت علیهم‌السلام در تفسیر قرآن

تفسیر و فهم کلام الهی، و ادعیه اهل‌بیت علیهم‌السلام پیوندی ناگسستنی با یکدیگر دارند. تفسیر در اصطلاح به معنای روشن کردن و پرده‌برداری از چهره کلمه یا کلامی است که بر اساس قانون محاوره و فرهنگ مفاهمه ایراد شده است و معنای آن آشکار و واضح نباشد (جوادی آملی، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۵۲ و ۵۳). در تقابل میان تفسیر انسان از قرآن و انزال قرآن از طرف خدا می‌توان این‌گونه بیان نمود که به همان اندازه که در تنزیل، خداوند متعال سعی دارد تا کلام خود را به سطحی نازل نماید که بشر بتواند از آن بهره‌مند شود، در تفسیر نیز بشر باید مسیری را طی نماید تا بتواند خود را از سطح نازل به سطح عالی کلام الهی نزدیک نماید. به تعبیر یکی از محققان غربی «تفسیر، بشری کردن کلام الهی و الهی نمودن روح انسانی است.» (ایوب، ۱۳۹۱، ص ۱۰۹). حال در صورتی که تفسیر را سعی در الهی شدن روح انسانی در ارتباط با کلام خدا بدانیم و آن‌گاه ادعیه را به عنوان مهم‌ترین کلمات اهل‌بیت علیهم‌السلام در نشان دادن کیفیت و چگونگی ارتباط با خدا در نظر بگیریم، خواهیم دانست که ادعیه مهم‌ترین و مرتبط‌ترین بیان درباره تفسیر قرآن در میان کلمات معصومین هستند. به همین جهت است که بزرگان و از آن جمله امام خمینی قدس سره در مواضع متعددی، از ادعیه به عنوان قرآن صاعد یاد نموده‌اند. «ادعیه ائمه هدی، دعاهای آنها، همان مسائلی را که کتاب خدا دارد، دعاهای آنها هم دارد با یک زبان دیگر. قرآن یک زبان دارد، یک نحو صحبت می‌کند و همه مطالب را دارد، منتها بسیارش در رمز است که ما نمی‌توانیم بفهمیم و ادعیه ائمه -علیهم‌السلام- یک وضع دیگری دارد. به تعبیر شیخ عارف و استاد ما، ادعیه کتاب صاعد است. قرآن نازل؛ تعبیر می‌فرمود به اینکه قرآن کتاب نازل است که از آنجا نزول کرده است و ادعیه ائمه کتاب صاعد است؛ همان قرآن است رو به بالا می‌رود، جواب اوست تقریباً.» (امام خمینی، ۱۴۰۹ (ب)، ج ۲۰، ص ۴۰۹ و ۴۱۰). ایشان در بیانی دیگر می‌فرمایند: «آن قدر معارف در ادعیه ائمه علیهم‌السلام هست و مردم را از آن دارند جدا می‌کنند، آن قدر معارف

در ادعیه هست که احصا نمی‌توان کرد. لسان قرآن است ادعیه، شارح قرآن هستند ائمه ما راجع به آن مسائلی که دیگران دستشان به آن نمی‌رسد.» (امام خمینی، ۱۴۰۹ (الف)، ص ۱۸۹). بیان دعا در کلام امام به خاص و ویژه بودن ادعیه معصومین اشاره دارد. عبارت «قرآن صاعد» که از سوی آیت‌الله شاه‌آبادی استاد امام قدس سره بیان شده، در بردارنده لفظ دقیق "صاعد" است. در واقع کلامی می‌تواند حقیقتاً دعا باشد که بتواند خود صعود کند و انسان را نیز صعود دهد. این در حالی است که در قرآن کریم تنها کلامی قابلیت صعود دادن انسان را پیدا می‌کند که کلام طیب باشد و قرین عمل صالح گردد. (در این زمینه نک جوادی آملی، ۱۴۲۵، ص ۲۲). بنابراین دعاهای رسیده از سوی اهل بیت علیهم‌السلام به این دلیل می‌تواند صعود پیدا کند که کلامی طیب است که با عمل صالح توأم گشته است، و این طیب بودن و همراهی با عمل صالح خود سبب می‌شود که این کلام، کلامی متفاوت با سائر کلام‌های بشری گردد. این مطلب سبب شده است همان گونه که دیدگاه‌های متعددی درباره زبان خاص قرآنی مطرح شده (در این زمینه ر.ک رضایی اصفهانی، ۱۳۸۸، ص ۷۹-۱۰۰) سخن از خاص بودن زبان دعا نیز مطرح گردد (سلمانپور، ۱۳۸۴، ص ۲۱-۴۰).

با توجه به آنچه گذشت به خوبی می‌توان ظرفیت ادعیه در تفسیر قرآن کریم را نشان داد. در تفسیر قرآن کریم سعی مفسر بر این است که به مراد خداوند متعال از آیات دست یافته و خود را به سطح عالی کلام الهی نزدیک سازد. معصومان علیهم‌السلام در ادعیه مأثوره نیز به دقت همین کار را انجام می‌دهند و با تعلیم نحوه ارتباط برقرار ساختن با خدا سعی می‌کنند بشر را به سمت تعالی معنوی سوق دهند.

این در حالی است که در زمینه ارتباط قرآن کریم با ادعیه در دوران معاصر تلاش فراوانی صورت گرفته است تا با بررسی‌های نوینی مانند بینامتنیت در این عرصه قدم برداشته شود. تعبیر بینامتنیت کاربردهای متعددی دارد که بیش از همه، کاربرد آن درباره مطالعات تفسیری مورد توجه است، و بر طبق آن، دلالت‌های گوناگون متون در فضای متون دیگر آشکار شود. در این کاربرد، توجه به روابط بینامتنی راهی برای فعلیت دادن به استعدادهای معنایی متن است. هر متنی استعداد معنایی بسیاری دارد که در پرتو روابط

بینامتنی آشکار می‌شود و وظیفه مفسر کشف این روابط است (قائمی نیا، ۱۳۸۹، ص ۴۶۳). درباره تحقیقاتی که در حوزه بینامتنیت صورت گرفته چند نکته قابل ذکر است.

الف. لازم است از همپوشانی این تحقیقات با یکدیگر تا جای ممکن پرهیز گردد. در حال حاضر از میان پنج مقاله نگاشته شده دو مقاله درباره صحیفه رضویه (مختاری، محبی، ۹۳، ۸۳-۹۹، حسنعلیان، ۱۳۹۲، ص ۶۰۱ تا ۶۲۳) و سه مقاله درباره صحیفه سجادیه (فتاحی زاده، داودی، ۱۳۹۵، ص ۷-۳۰، ستوده نیا، محققیان، ۱۳۹۵، ۲۱-۳۶، اقبالی، حسن خانی، ۳۱-۴۲) است که در برخی مواضع همپوشانی میان این تحقیقات مشاهده می‌شود.

ب. بر اساس برخی تعاریف و تعابیر، بینامتنیت و مفاهیم سابقه‌دار در فرهنگ اسلامی مانند اقتباس، تلمیح، تضمین و ... یکسان دانسته شده است. هم اکنون تحقیقاتی درباره ادعیه با توجه به مفاهیم اصیل در فرهنگ اسلامی انجام شده است (به عنوان نمونه نک خیاط، مهدوی راد، ۱۳۹۱، ص ۹۰-۱۱۰، غلامعلی، ۱۳۸۹، ص ۱۱۹-۱۴۸) و در صورتی که تحقیقات ذکر شده در حوزه بینامتنیت، تفاوت جدی و عملیاتی با تحقیقات دسته نخست نداشته باشند عملاً تحقیق صورت گرفته، چیزی جز تکرار آنچه در فرهنگ سنتی اسلامی وجود داشته، نخواهد بود.

ج. در بررسی روابط بینامتنی میان قرآن و متون دیگر باید به این نکته توجه داشت که ابعاد بینامتنی قرآن با توجه به سرشت آسمانی و متعالی آن حداکثری است، و بسنده نمودن به روابط معنایی سطحی درباره قرآن نادرست است. ضمن اینکه رابطه بینامتنی هرگز به معنی تحمیل متنی دیگر بر قرآن کریم نیست که در صورتی که این امر رخ دهد، به بیان علامه طباطبایی تطبیق ناصواب و تفسیر به رأی انجام شده است (برای مطالعه بیشتر در این زمینه نک قائمی نیا، ۱۳۸۹، ص ۴۵۷-۴۵۹ و ۴۶۲).

د. ضروری است با توجه به ابهامی که در تعبیر بینامتنیت وجود دارد و نیز کاربردهای متعددی که دارد (در این زمینه رک همان ص ۴۴۳) به طور صریح

روشن شود که نویسنده کدام تعبیر و چه کاربردی از بینامتنیت را در نظر داشته است.

با توجه به آنچه گذشت می‌توان دریافت که ادعیه دارای ظرفیت گسترده‌ای در تفسیر قرآن کریم هستند. این ظرفیت فراتر از ظرفیت سائر احادیث اهل بیت علیهم‌السلام در تفسیر قرآن کریم قابل استفاده است. با توجه به این ظرفیت است که می‌توان به کشف مبانی انسان‌شناسی علوم انسانی از دیدگاه قرآن کریم با تکیه بر ادعیه اهل بیت علیهم‌السلام پرداخت.

۳. دلالت‌های ادعیه در مبانی انسان‌شناسی علوم انسانی

ادعیه اهل بیت علیهم‌السلام منبع مهمی برای کشف و تبیین مبانی انسان‌شناسی علوم انسانی هستند. در این میان می‌توان دسته‌ای از مبانی را از نفس دعا نمودن بشر و اینکه نوع انسانی با مقوله‌ای به نام دعا با خدا ارتباط برقرار می‌کند، برداشت نمود. دسته‌ای دیگر از مبانی نیز از مضامین ادعیه قابل استفاده هستند که در ادامه به بررسی این دو دسته می‌پردازیم.

۳-۲. دلالت‌های نیایش با خدا در مبانی انسان‌شناسی علوم انسانی

علاوه بر اینکه مضامین ادعیه می‌توانند نقش مهمی در زمینه کشف و تبیین مبانی انسان‌شناسی علوم انسانی داشته باشند، اصل انجام دعا و نیایش انسان با خدای خود می‌تواند در تبیین مبانی انسان‌شناسی تأثیرگذار باشد. به بیان دیگر می‌توان دعا را در سطوح متعددی تعریف نمود. سطحی نازل از دعا دعایی است که از زبان صادر می‌شود. این سطح از دعا ظاهری‌ترین سطحی است که می‌توان درباره دعا فرض نمود. اما فراتر از دعای لفظی و مهم‌تر از آن دعای قلبی است که در آن لفظ وجود ندارد، بلکه قلب متوجه خداوند است و پیوسته این ارتباط باطنی و راستین بین عبد و رب برقرار می‌باشد که این، حقیقت دعا و بهترین حال یک انسان است (ممدوحی، ۱۳۸۱، ص ۲۸؛ طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۲، ص ۳۳). نفس اینکه انسان دست به دعا بر می‌دارد نشان از خصوصیتی در وجود وی دارد. دعا نمودن در انسان (مخصوصاً دعای قلبی) می‌تواند نشان دهنده دو عنصر مهم فقر و عشق در وی باشد (کارل، ۱۳۴۶، ص ۴۷). این دو عنصر در آیات قرآن کریم که درباره



دعا نازل، نیز قابل مشاهده است. به عنوان مثال در آیه «أمن يجيب المضطر إذا دعاه و يكشف السوء و يجعلكم خلفاء الأرض» (النمل، ۶۲) اضطرار و نیاز، به عنوان صفتی بیان شده است که در صورت وجود آن، دعای انسان حقیقت داشته و مستجاب خواهد شد. طبیعی است در صورتی دعا حقیقی خواهد بود که اضطرار و نیاز در آن وجود داشته باشد و در غیر این صورت دعا صرفاً زبانی خواهد بود. از سوی دیگر در دعا می‌توان عشق میان دعاکننده و خدا را مشاهده نمود. قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «وإذا سألک عبادی عنی فإنی قریب أجیب دعوة الداع إذا دعان فلیستجیبوا لی ولیؤمنوا بی لعلهم یرشدون» (البقره، ۱۸۶). در این آیه کریمه، "قریب" بودن و نزدیک بودن خدا به انسان در بیانی سرشار از محبت و دوستی در اجابت نمودن دعای درخواست کننده مصداق یافته است که خود نشان دهنده محبتی است که میان داعی و مدعو وجود دارد. در آیه شریفه دیگری این گونه رابطه محبت میان خدا و دعا کننده نشان داده شده است: «إنا كنا ندعوه من قبل إنه هو البر الرحیم» (الطور، ۲۸).

در واقع با تحلیل دعا می‌توان دعا را مترتب بر دسته‌ای از باورها دانست که نوع انسان دعا کننده -هرچند ناخودآگاه- به آن ملتزم است. اولین شرط آن است که انسان دعاکننده خود را عبد، و خدا را به عنوان مولای خود پذیرفته است. امام سجاد علیه‌السلام می‌فرماید: «و کیف یستغنی العبد عن ربه ... سیدی لم أزدد إلیک فقرا و لم تزدد عنی إلا غنی». دومین شرط باور داشتن به قدرت الهی، و اعتقاد به مسخر بودن عوامل طبیعی در برابر این قدرت است (در این زمینه ر.ک ممدوحی، ۱۳۸۱، ص ۴۲-۴۴). در بیان منسوب به امام صادق علیه‌السلام در خصوص ویژگی‌های دعا آمده است که دعا پاسخگویی تمام وجود انسان به خدا، ذوب نمودن خون قلب در مشاهده پروردگار، ترک هرگونه اختیار و تسلیم نمودن ظاهر و باطن تمام کارها به خداوند است (منسوب به امام صادق علیه‌السلام، ۱۴۰۰، ص ۱۳۲ و ۱۳۳). علامه طباطبایی با تحلیل دقیقی از معنای دعای عبد در برابر رب، آن را عبارت از تلاش برای معطوف کردن رحمت و عنایت الهی به فرد عبادت کننده می‌داند که این عنایت با ایستادن در مقام عبودیت و مملوکیت به

دست می‌آید. به همین جهت است که خداوند متعال در آیه کریمه «وقال ربکم ادعونی أستجب لکم إن الذین یستکبرون عن عبادتی سیدخلون جهنم داخرین» (غافر، ۶۰) "عبادت" را به عنوان جانشین "دعا" به کار برده است (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۰، ص ۳۸ و ۳۹). کاملاً واضح است که تعریفی از انسان که طی آن او در فطرت خود عبودیت را ادراک کند و بر قدرت خدا وقوف داشته باشد تفاوت آشکاری با تعریف مادی از انسان خواهد داشت، و در اثر تغییر تعریف از انسان، مبانی انسان‌شناسی نیز تغییر خواهد کرد. بنابراین، چند مبنای مهم را می‌توان از اصل ارتباط و احساس نیاز انسان به دعا در وجود وی نشان داد که با آیات قرآنی نیز قابل تأیید هستند. این مبانی عبارتند از: اضطراب و نیاز، محبت و ورزی و عشق انسان نسبت به خدا، درک رابطه مولویت و عبودیت، و خدا را قادر مطلق دیدن. این چند پیش فرض می‌توانند دلالت‌های مستقیمی در رابطه با علوم انسانی داشته باشند. در حالی که بر اساس تفکر اومانیستی انسان موجودی است که از لحاظ زیستی بیشتر با اندیشه داروین، و از نظر سیاسی اجتماعی با دیدگاه‌های هابز و از لحاظ اقتصادی با اصول و اندیشه لیبرالیستی سازگار است (ساداتی نژاد، ۱۳۹۲، ص ۲). انسان دعا کننده فردی محتاج به خدا و عاشق او محسوب می‌شود که این تفاوت در مبنا مخصوصاً با توجه به همه شمول بودن فعل دعا در میان انسان‌ها در آیین‌های مختلف می‌تواند نگرش به انسان و نگرش به رفتار و کنش‌های او در علوم انسانی را دچار تغییر سازد.

۳-۳. تأثیرپذیری مبانی انسان‌شناسی از ادعیه

مضامین ادعیه مأثوره در دو حوزه تعریف صحیح از انسان، و تبیین مبانی انسان‌شناسی می‌توانند اثرگذار باشند که در ادامه به بررسی این دو حوزه می‌پردازیم.

۳-۳-۱. دلالت مضامین ادعیه در تعریف انسان

درباره تعریف انسان از دیدگاه ادعیه می‌توان به دعای اول صحیفه سجادیه اشاره نمود. در این دعای شریف، امام سجاد علیه‌السلام می‌فرمایند: «و الحمد لله الذی لو حبس عن عباده معرفه حمده علی ما أبلاهم من مننه المتتابعه و اسبغ علیهم من نعمه المتظاهره لتصرفوا فی مننه فلم یحمدوه و توسعوا فی رزقه فلم یشکروه و لو کانوا

كذلك لخرجوا من حدود الانسانية الى حد البهيمية فكانوا كما وصف في محكم
 كتابه ان هم الا كالانعام بل هم اضل سبيلا». این بیان امام سجاد علیه‌السلام بیانگر
 اصل حمید بودن انسان است. به این معنی که فردی را که معرفت خدا را از دست داده، و
 او را حمد و شکر نمی‌کند نمی‌توان به عنوان انسان معرفی نمود. این فراز از دعای امام
 سجاد علیه‌السلام را هیچ یک از مفسران در تفسیر آیه «أَمْ تَحْسَبُ أَنَّ أَكْثَرَهُمْ يَسْمَعُونَ
 أَوْ يَعْقِلُونَ إِنْ هُمْ إِلَّا كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ سَبِيلًا» (الفرقان، ۴۴) استفاده ننموده‌اند. به هر
 حال، این بخش از دعا با تضمین قسمتی از آیه اشاره شده، روند خروج انسان از انسانیت را
 نشان می‌دهد تا با این بیان انسان‌های غیر موحد را مشمول انسان‌های ناشنوا و غیر
 عاقلی کند که در آیه، به عنوان «انعام» توصیف شده‌اند. در واقع به بیان قرآن کریم،
 کسی که ایمان ندارد و چشم خود را بر روی حقیقت عالم باز نمی‌کند زنده نیست و مرده
 است. «لینذر من كان حيا و يحق القول على الكافرين» (یس، ۷۰). مضمون این آیه در
 دعای عرفه نیز یافت می‌شود که سید الشهداء علیه‌السلام در بخشی از آن، این گونه
 می‌فرماید: «عمیت عین لا تراک علیها رقیبا و خسرت صفقة عبد لم تجعل له من
 حیک نصیبا» (ابن طاووس، ۱۳۹۰، ص ۳۴۹).

تعریف انسان، به انسان موحد و بیرون راندن سائر انسان‌ها از دایره انسانیت، به
 معنی اخراج سائر انسان‌ها از موضوع مطالعه علوم انسانی نیست. بلکه به معنی لزوم
 پرداختن به انسان موحد به عنوان الگو و نمونه کامل انسانیت در علوم انسانی است.
 انسان‌شناسی غربی هنگامی که به دنبال گونه انسانی مورد مطالعه خود به عنوان انسان
 اصیل است سعی می‌کند تا انسان ابتدایی را مورد مطالعه و بررسی قرار دهد و حتی بر
 اساس نظریه داروین گونه‌های پیشابشری را مطالعه می‌کند (در این زمینه ر.ک دورتیه،
 ۱۳۸۹، ص ۷۴). در حالی که درباره الگوی ابتدایی انسانی چنین دیدگاهی مشاهده می‌شود،
 در زمینه الگوی نهایی و نقطه امل بشریت در غرب نیز اندیشه پیشرفت بر اساس
 نیروهای مادی به عنوان عقیده‌ای جزمی و در قالب دینی دروغین از قرن هجدهم به این
 سو تقریباً مورد پرستش واقع شده است (در این زمینه ر.ک نصر، ۱۳۷۸، ص ۲۱). این در

حالی است که در انسان‌شناسی اسلامی نه تنها این گونه نیست، بلکه از منظر ادعیه، انسان نمونه در وهله اول انسان معصوم و در مراتب بعدی افرادی خواهند بود که بیشتر توانسته باشند جنبه انسانی خود یعنی "تأله" و "حمد" را آشکار نمایند. به بیان دیگر اگر انسان الگوی اسلامی یا همان انسان کامل، محور و موضوع در علوم انسانی باشد، سبب گام برداشتن جامعه انسانی در این مسیر شده و باعث خواهد شد که این مفهوم از مقام ایده به مقام عمل تعالی یابد. دلالت دیگر این نحوه از تعریف انسان در علوم انسانی آن است که در صورتی که "انسان موحد حامد" را به عنوان انسان مطلوب قرآن در نظر بگیریم اولین توصیه برای وی این است که زمینه به نوعی فراهم شود تا توان رسیدن وی به مقام "توحید" و "حمد" ایجاد شود و در این عرصه و ذیل این مقصد تمام تجویزها و توصیه‌های علوم انسانی بازتعریف شوند.

۳-۲-۳. دلالت مضامین ادعیه در مبانی انسان‌شناسی

ادعیه اهل بیت علیهم السلام ظرفیت فراوانی در باب مبانی انسان‌شناسی دارند و می‌توان گفت تمام بیانات و آموزه‌های ایشان به نوعی به انسان و انسان‌شناسی ارتباط پیدا می‌کند. در نتیجه می‌توان مبانی انسان‌شناسی الهی را می‌توان در ادعیه اهل بیت ریشه‌یابی نمود. در ذیل چندین مبنای استخراج شده از ادعیه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

الف) مبنای مسئولیت انسان در برابر خدا

این مبنا در ادعیه اهل بیت علیهم السلام نمود فراوانی دارد. از آن جمله می‌توان به بیان امام سجاد علیه السلام در ضمن دعای بیستم صحیفه سجادیه اشاره نمود که می‌فرمایند: «واستعملنی بما تسألنی غدا عنه واستفرغ أیامی فیما خلقتنی له». در این دعای امام سجاد علیه السلام علاوه بر آنکه به زیبایی، مسئولیت انسان و لزوم پاسخ‌گویی وی به خداوند در روز قیامت بیان شده؛ از خداوند توفیق عمل به مسئولیت نیز درخواست شده است. مسئولیت انسان در برابر خدا به طور صریح از سوی امام سجاد علیه السلام در دعای ابوحمزه نیز بیان شده است. حضرت می‌فرمایند: «الهی ارحمنی إذا انقطعت حجتی و کل عن جوابک لسانی و طاش عند سوالک إیای لبی». در این کلام زیبا آن حضرت مسئولیت انسانی را آن‌قدر خطیر و جدی معرفی می‌نمایند که حتی اگر انسان



بیشترین تلاش و مجاهده را هم انجام دهد، نمی‌تواند اندکی به مسئولیتی که در برابر خدا داشته عمل کند. این دو فراز از دعای امام سجاد علیه‌السلام را که بر مسئولیت انسان در روز قیامت تأکید می‌کنند می‌توان مفسر آیاتی نظیر «ولا تقف ما لیس لك به علم إن السمع و البصر و الفؤاد کل أولئک کان عنه مسؤولاً» (الاسراء، ۳۶) دانست، و در واقع امام سجاد با اشاره به مسئولیت انسان در برابر خدا در روز قیامت، بزرگ‌ترین مصداق مسئولیت وی را بیان نموده‌اند. مسئولیتی که بالطبع انسان را وا می‌دارد تا در این نکته بیندیشد که بر اساس این مسئولیت، باید به چه سؤالاتی پاسخگو باشد. به این ترتیب، احساس چنین مسئولیتی زمینه‌ساز زندگی متفاوتی برای وی در دنیا از نظر بینش و گرایش و کنش خواهد بود.

ب) مبنای امانت‌داری انسان در برابر خدا

مسئولیت انسان در برابر خدا خود مبتنی بر اصلی دیگر است که عبارت از امانت‌داری انسان در برابر خدا، و خلیفه‌الله بودن در زمین است. امیر المومنین علیه‌السلام در یکی از دعا‌های خود می‌فرماید: «اللهم اجعل نفسی اول کریمة تنتزعها من کرائمی، و اول ودیعة ترتجعها من ودائع نعمک عندی.» (سید رضی، ۱۴۱۲، ج ۲، ص ۱۹۷). این دعا با بیان اینکه نفس از ودیعه‌هایی است که خداوند آن را در اختیار انسان قرار داده، وی را به مهم‌ترین امانت و ودیعه‌ای که در دست او است متوجه می‌سازد. آن حضرت در یکی دیگر از دعا‌های خود می‌فرماید: «و لم تسلمنی للسوء من بلاءک مع ما أولبتنی من العافیة و سوغت من کرائم النحل و ضاعفت لی الفضل مع ما أودعتنی من المحجة الشریفة و یسرت لی من الدرجة الرفیعة العالیة.» (ابن طاووس، ۱۴۱۱، ص ۱۰۹). به این ترتیب، امام راه روشنی را که خدا به انسان نشان داده، به عنوان امانتی معرفی می‌نمایند که در اختیار انسان قرار گرفته است. روشن است که این امانت بزرگ‌ترین و بارزترین نمونه از اماناتی است که در آیاتی نظیر «إن الله یأمرکم أن تؤدوا الأمانات إلی أهلها» (النساء، ۵۸) امر به ادای آن شده است. به این ترتیب، این دسته از ادعیه اهل‌بیت علاوه بر اینکه تفسیری از آیات شریف قرآن کریم به دست می‌دهند

مبنایی از مبانی انسان‌شناسی را آشکار می‌سازند که بر اساس آن لازم است به انسان نه به عنوان موجودی رها و بدون هدف، بلکه به عنوان موجودی امانت‌دار که امانت الهی در دست اوست نگریسته شود.

ج) مبنای تأله انسان

مبنای دیگری که در ادعیه اهل‌بیت به آن اشاره شده مبنای تأله انسان است. تأله در وجود بشر به معنی خداخواهی مسبوق بر خداشناسی است (جوادی آملی، ۱۳۹۲، ص ۱۵۰). اوج خداشناسی و خداخواهی انسان را می‌توان در مضامین ادعیه اهل‌بیت علیهم‌السلام یافت. به عنوان نمونه در این باب می‌توان به دعای امام سجاد علیه‌السلام در دعای ابوحزمه اشاره نمود که می‌فرمایند: «یا مولای بذکرک عاش قلبی و بمناجاتک بردت ألم الخوف عنی» (طوسی، ۱۴۱۱، ص ۵۹۲). در این بیان امام زنده ماندن قلب خود را مرهون یاد خدا، و درمان درد خوف را رهین خنکای خوش مناجات با او دانسته‌اند. این بیان امام به خوبی یادآور آیه «الذین آمنوا و تطمئن قلوبهم بذكر الله ألا بذكر الله تطمئن القلوب» (الرعد، ۲۸) است. در مناجات محبان آمده است: «إلهی من ذا الذی ذاق حلاوة محبتک فرام منک بدلا و من ذا الذی آنس بقربک فابتغی عنک حولا» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۹۱، ص ۱۴۸). این بیان نشان می‌دهد که تمامی انسان‌ها در ذات خود جوینده حلاوت محبت الهی و انس با محضر قرب او هستند و آنچه به جز این برگزینند نسخه بدل و جایگزینی است که نیاز حقیقی آن‌ها را برطرف نمی‌سازد. خداشناسی و خداخواهی انسان است که سبب شده تا اهل‌بیت در ادعیه خود کسی را که بر غیر خدا وارد می‌شود ناامید، آن را که به غیر خدا می‌پردازد خسران زده، شخصی را که به غیر خدا اهتمام می‌ورزد تباه شده، و آن را که جز فضل خدا را بطلبد قحطی‌زده نامیده‌اند (طوسی، ۱۴۱۱، ص ۳۶۹). مبنای تأله انسان را می‌توان حلقه مفقوده‌ای دانست که توجه به آن و رعایت التزامات منطقی آن، مبنای انسان‌شناسی متفاوت، و در نتیجه علوم انسانی متفاوتی را رقم خواهد زد.

د) مبنای تربیت‌پذیری انسان

مبنای تربیت‌پذیری انسان را می‌توان به عنوان یک اصل پذیرفته شده در ادعیه دانست. مواضع متعددی که خداوند متعال به عنوان "رب" و انسان به عنوان "مربوب" معرفی شده است دلالت بر امکان تربیت انسان دارد (برای نمونه ر.ک ابن طاووس، ۱۴۱۱، ص ۲۳۶). همچنین مضمون آن دسته از ادعیه اهل‌بیت علیهم‌السلام که هدایت، تطهیر و تزکیه را از خداوند طلب می‌کنند (برای نمونه ر.ک طوسی، ۱۴۱۱، ص ۱۰، ابن طاووس، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۲۷۲، مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۹۹، ص ۶۶) به روشنی بر امکان تحقق این خواسته‌ها که منجر به تربیت الهی انسان می‌شوند دلالت می‌کند.

تفاوت بنیادینی که میان انسان‌شناسی اسلامی و انسان‌شناسی غربی در بحث تربیت‌پذیری وجود دارد آن است که در انسان‌شناسی اسلامی، مربی حقیقی و ابتدایی خود خداوند است و انسان تحت تربیت او زیست می‌کند. هر فعل و حادثه‌ای که در زندگی انسان پدیدار می‌شود، مظهري از افعال الهی است که در مواجهه با آن، انسان تربیت و ساخته می‌شود. امام سجاد علیه‌السلام در این باره در دعای ابوحمزه می‌فرماید: «إلهی لا تؤدبني بعقوبتك و لا تمکر بی فی حیلتك» (طوسی، ۱۴۱۱، ص ۵۸۲). این قسمت از دعا اشاره می‌کند که ضروری است تا به تک‌تک افعال خداوند، حتی به عقوبت وی به عنوان عنصری برای تأدیب و تربیت نگریسته شود و با همین دیدگاه تربیتی است که در پایان این بند نیز ذکر "یا رب" تکرار می‌شود.

ه) مبنای کثرت و اختلاف انسان‌ها و حالات آنان

انسان‌ها فاقد ویژگی‌های یکسان بالفعل هستند و در صحنه فعلیت، اختلاف فراوانی میان آنها قابل مشاهده است. اختلاف افراد انسانی در آفرینش امری مسلم است که به عوامل متعدد و غیر محصور بستگی دارد که فرد انسانی با آن در این دنیا مواجه می‌گردد (در این زمینه ر.ک (امام) خمینی، ۱۴۲۱، ص ۸۰-۸۳). اما در عین اختلاف موجود در افراد انسانی، ویژگی‌های بالقوه‌ای به عنوان کمال وجود دارند که لازم است در افراد انسانی به فعلیت و ظهور برسند و جریان تربیت به معنی سوق دادن اختلافات موجود در افراد انسانی به سمت وحدت و کمال مورد نظر است. بنابراین می‌توان اختلاف انسان‌ها در

مبدأ و لزوم سوق دادن این اختلاف به سمت کمال در مقصد را به عنوان اصل اختلاف حالات انسانی مطرح نمود.

یکی از مهم‌ترین اختلافات میان انسان‌شناسی اسلامی و انسان‌شناسی غربی تعارض میان این وحدت و کثرت و نحوه جمع میان آن دو است. به گونه‌ای که انسان‌شناسی غربی تکیه بر روی حالات مختلف انسانی و تفاوت انسان‌ها با یکدیگر دارد. این در حالی است که انسان‌شناسی اسلامی با اثبات نفس انسانی و تأله وی، تکیه بر نوعی وحدت در همه افراد انسان دارد که می‌توان از آن به فطرت انسانی هم تعبیر نمود. البته در انسان‌شناسی اسلامی نیز باید به اختلافات انسانی توجه نمود و عدم توجه به اختلاف حالات انسان می‌تواند اشتباهی بزرگ محسوب شود. ادعیه اهل بیت علیهم‌السلام برای این مسئله راه حلی عملی ارائه داده‌اند. با مراجعه به ادعیه در می‌یابیم که اختلاف میان افراد انسانی، و حتی اختلاف میان حالات یک انسان در زمان‌ها و مکان‌های متعدد به خوبی مورد عنایت قرار گرفته، و برای تک‌تک افراد در حالت‌های مختلف راه حلی برای رسیدن و راه یافتن به کمال در نظر گرفته شده است. اوج این عنایت در مناجات معروف به مناجات خمسه عشر قابل مشاهده است. مناجات توبه‌کنندگان، شکایت‌کنندگان، بیمناکان، امیدواران، راغبان، شکرگزاران، اطاعت‌کنندگان، اراده‌کنندگان، محبان، متوسلان، فقیران، عارفان، ذاکران، چنگ‌زنندگان و زاهدان (ر.ک مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۹۱، ص ۱۴۲-۱۵۳) همگی بیان‌کننده حالات مختلف نفس انسانی است، و هر یک از این مناجات‌ها راه حل متفاوتی است تا انسان دارای آن حالت خاص را تربیت کند و به کمال نهایی خود برساند. با توجه به اینکه دعاها در شرایط و مقام‌های مختلفی انشاء شده‌اند می‌توانند عاملی مؤثر در جمع میان وحدت و کثرت، و ارائه الگویی عملی برای تربیت افراد انسانی باشند. ادعیه اهل بیت علیهم‌السلام صرفاً درخواست کمالات معنوی از خدا نبوده، و دعا تنها مخصوص انسان‌های کامل و بیانگر ویژگی‌های آن‌ها نیست. بلکه بنا به تعبیر امیر مؤمنان علیه‌السلام که عبادت را به سه نوع تاجرانه، بردگانه و آزادانه تقسیم نموده‌اند (سید رضی، ۱۴۱۲، ج ۴، ص ۵۳)، در دعا هم درخواست‌های مادی و دنیوی از خداوند وجود دارد، و هم درخواست‌های معنوی یافت می‌شود. افزون بر این، بنده در مناجات با خدا گاهی هیچ درخواستی ندارد و صرفاً او را شایسته مناجات می‌بیند، که این همه نشان از

رعایت اختلاف مبدأ و سطح، و حالات مختلفی است که بنده با خداوند ارتباط برقرار می‌کند. (در این زمینه ر.ک مصباح یزدی، ۱۳۸۴، ج ۲، ص ۱۲۴-۱۲۸). اختلاف مضامین ادعیه و سیر و سفر بین دنیا و آخرت در دعاها بسیار فراتر از عرف سائر احادیث است. در مناجاتی‌ترین ادعیه سخن از دنیا به میان می‌آید و در دنیوی‌ترین درخواست‌ها بندهای مناجاتی دیده می‌شود. به عنوان مثال در دعای ابوحمزه که از مناجاتی‌ترین دعاها است و در آن از خدا خواسته می‌شود که محبت دنیا را به کلی از دل بیرون کند، (طوسی، ۱۴۱۱، ص ۵۹۱) در عین حال، از خدا خواسته می‌شود تا بنده را از رزق واسع، حلال و طیب خود بهره‌مند سازد (همان، ص ۵۸۷). نمونه دیگری از جمع بین دنیا و آخرت در دعایی که با نام عالیة المضامین خوانده می‌شود مشاهده می‌شود. در این دعا بلافاصله پس از آنکه از خدا اشک فراوان و جاری در طاعت و قرب به خدا، و قلب مهربان نسبت به اولیای خدا درخواست می‌شود، خواسته‌های مادی و دنیوی از خدا طلب می‌گردد تا آن جا که در انتهای دعا کثرت درخواست‌های دنیوی را نشانه‌ای از شخ و بخل دعا کننده می‌داند (ر.ک ابن طاووس، بیتا، ص ۴۶۹ و ۴۷۰). این نوع جمع میان وحدت و کثرت در دعا‌های اهل بیت علیهم السلام، همان تجلی آیات قرآن در جمع بین دنیا و آخرت است.

نتیجه

ادعیه اهل بیت علیهم السلام نه تنها منبع غنی برای برقراری ارتباط با خداوند، بلکه ظرفیتی مهم جهت تبلیغ آموزه‌های اسلامی، بیان معارف اصیل اهل بیت علیهم السلام، و تبیین و تفسیر قرآن کریم به شمار می‌روند. همچنین با توجه به اینکه ادعیه، شیوه و مسیر ارتباط انسان با خداوند را نشان می‌دهند منبعی مهم در معرفی و شناخت مبانی انسان‌شناسی محسوب می‌شوند. برخی مبانی از نفس صدور فعل دعا از انسان که مظهر عبودیت انسانی در برابر خداوند است استنباط می‌شود، و برخی دیگر، از مضمون و محتوای ادعیه‌ای که از اهل بیت علیهم السلام به ما رسیده استخراج می‌گردد. در این جستار، با استناد به مضامین و محتوای ادعیه، برخی از مهم‌ترین مبانی انسان‌شناسی یعنی مبانی مسؤولیت و امانت‌داری انسان در برابر خدا، مبانی تأله، مبانی تربیت‌پذیری انسان، و مبانی کثرت و اختلاف انسان‌ها و حالات آنان معرفی گردید، و اثبات شد که محتوای ادعیه می‌تواند نقش مهمی در تبیین این مبانی ایفا نماید.



پروپوزیشن گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

۱. (امام خمینی، روح‌الله، ۱۴۰۹ الف)، تفسیر سوره حمد، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی
۲. _____، ۱۴۰۹ ب)، صحیفه امام، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی
۳. _____، ۱۴۲۱، الطلب و الإرادة، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی
۴. (امام سجاد علیه‌السلام، علی بن الحسین، ۱۴۰۴، الصحیفه السجادیة الكاملة، قم، موسسه النشر الإسلامی
۵. ابن أبی الدنيا، أبوبکر، ۱۴۰۸، الفرغ بعد الشدة، قاهرة، دار الريان
۶. ابن طاووس، سید رضی الدین، ۱۳۹۰، إقبال الأعمال، تهران، دار الکتب الإسلامیة
۷. _____، ۱۴۱۱، مهج الدعوات، قم، دار الذخائر
۸. _____، بی‌تا، مصباح الزائر، قم، آل البيت
۹. ابن عساکر، أبو القاسم، ۱۴۱۵، تاریخ مدینة دمشق، بیروت، دار الفکر
۱۰. اقبالی، عباس، حسن خانی، فاطمه، تابستان ۱۳۹۱، بینامتنیت قرآنی در صحیفه سجادیه، مطالعات ادبی متون اسلامی، شماره ۱
۱۱. اکبر نژاد، محمدتقی، تابستان ۱۳۷۸، نقل به معنی در دعا و دوره پس از تدوین، کاوشی نو در فقه، شماره ۵۶
۱۲. ایوب، محمود، مترجمان: سید محمدهادی گرامی، محمد قندهاری، ۱۳۹۱، قرآن ناطق و قرآن صامت، امامت پژوهی، شماره ۸
۱۳. پاکتچی، احمد، ۱۳۹۲، وحدت امت با محوریت سنت نبوی در ادعیه رضوی، مجموعه مقالات با عنوان جستاری در ادعیه رضویه با تأکید بر الصحیفه الرضویه الجامعة، تهران، دانشگاه امام صادق علیه‌السلام
۱۴. تیجان سیلا، احمد، ۱۴۲۵، علاقة المسلمین الأفارقة بأهل البيت عبر الصحیفه السجادیة، مجموعه مقالات تحت عنوان: الأبعاد الإنسانية والحضاریة فی الصحیفه السجادیة، دمشق، المستشاریة الثقافیة للجمهوریة الإسلامیة
۱۵. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۷۸، تفسیر تسنیم، قم، اسراء

۱۶. _____، ۱۳۸۰، دین شناسی، قم، اسراء
۱۷. _____، ۱۳۸۸، اسلام و محیط زیست، قم، اسراء
۱۸. _____، ۱۳۹۲، تفسیر انسان به انسان، قم، اسراء
۱۹. _____، ۱۴۲۵، التوحید والموحد فی الصحیفه السجادیه، مجموعه مقالات تحت عنوان: الأبعاد الإنسانیة و الحضاریة فی الصحیفه السجادیة، دمشق، المستشاریة الثقافیة للجمهوریة الإسلامیة
۲۰. چیتیک، ویلیام، ترجمه: صفری، وحید، پاییز ۱۳۸۵، مقدمه‌ای بر صحیفه سجادیه، علوم حدیث، شماره ۴۱
۲۱. حسن‌زاده آملی، حسن، ۱۳۷۶، رساله نور در ذکر و ذاکر و مذکور، قم، تشیع
۲۲. حسنعلیان، سمیه، ۱۳۹۲، روابط بینامتنی قرآن کریم با دعاهاى الصحیفه الرضویة الجامعة، مجموعه مقالات تحت عنوان جستاری در ادعیه رضویه با تأکید بر الصحیفه الرضویة الجامعة، تهران، دانشگاه امام صادق علیه‌السلام
۲۳. خیاط، علی، مهدوی راد، محمدعلی، تابستان ۱۳۹۱، اقتباس، گونه‌ای از تجلی قرآن در نیایش معصومان، علوم حدیث، شماره ۶۴
۲۴. دورتیه، ژان فرانسوا، مترجم: جلال رفیع فر ۱۳۸۹، انسان‌شناسی نگاهی نو به تحول جسمانی، فرهنگی و روان‌شناختی انسان، تهران، خجسته
۲۵. رجیبی، محمود، ۱۳۸۰، انسان‌شناسی، قم، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی
۲۶. رضایی اصفهانی، محمدعلی، تابستان ۱۳۸۸، زبان قرآن عرف عام یا خاص، پژوهشنامه علوم و معارف قرآن کریم، شماره ۳
۲۷. رفیعی، علی، ۱۳۷۳، شهاب شریعت درنگی در زندگی حضرت آیت‌الله مرعشی نجفی، قم، کتابخانه عمومی آیت‌الله مرعشی نجفی
۲۸. ساداتی نژاد، سید مهدی، ۱۳۹۲، بومی‌سازی علوم انسانی و ضرورت بازیابی مبانی انسان‌شناسی، پژوهش‌های سیاست اسلامی، شماره ۱
۲۹. سبط بن جوزی، ۱۴۱۸، تذکره خواص الأمة، قم، منشورات الشریف الرضی
۳۰. ستوده نیا، محمدرضا، محققان، زهرا، بهار و تابستان ۱۳۹۵، بینامتنی قرآن کریم با صحیفه سجادیه، پژوهش‌های زبان‌شناختی قرآن، شماره ۹

۳۱. سلمانپور، محمدجواد، تابستان ۱۳۸۴، تحلیل زبان دعا، اندیشه دینی، پیاپی ۱۵
۳۲. سید رضی، محمد بن حسین، ۱۴۱۲، نهج البلاغه، قم، دار الذخائر
۳۳. طباطبایی، سید محمدحسین، ۱۳۹۰، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت، الأعلمی
۳۴. طوسی، محمد بن الحسن، ۱۴۱۱، مصباح المتهجد، بیروت، فقه الشیعه
۳۵. _____، ۱۴۰۹، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دار إحياء التراث العربی
۳۶. غلامعلی، احمد، پاییز ۱۳۸۹، قرآن و صحیفه سجادیه درنمایه های مشترک، علوم حدیث، شماره ۵۷
۳۷. فانوس، وحیه، ۱۴۲۵، الإنسان فی نماذج من أَدعیة الصحیفه السجادیة، دمشق، المستشاریة الثقافیة للجمهوریة الإسلامیة
۳۸. فتاحی زاده، فتحیه، داودی، عارفه، تابستان ۱۳۹۵، تجلی قرآن کریم در دعای مکارم الأخلاق امام سجاد با رویکرد بینامتنی، سراج منیر، شماره ۲۳
۳۹. فرزانه، عبدالحمید، ۱۳۹۲، چیستی و بایستی انسان از دیدگاه صحیفه سجادیه، شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی شیراز
۴۰. قائمی نیا، علیرضا، ۱۳۸۹، بیولوژی نص، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی
۴۱. کارل، الکسیس، مترجم: شریعتی، علی، ۱۳۴۶، نیایش، مشهد، شرکت سهامی انتشار
۴۲. کریمی، محمود، ۱۳۹۶، مبانی انسان شناختی علوم انسانی اسلامی در قرآن کریم، مطالعات قرآن و حدیث، شماره ۲۰
۴۳. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۳۸۸، الکافی، تهران، دار الکتب الإسلامیة
۴۴. مبرد، محمد بن یزید، ۱۴۲۱، الفاضل، قاهرة، دار الکتب المصریة
۴۵. مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳، بحار الأنوار، بیروت، دار الوفاء
۴۶. مختاری، قاسم، محبی، سحر، بهار ۱۳۹۳، بررسی روابط بینامتنی قرآن در صحیفه رضویه، حسنی، شماره ۲۰
۴۷. مصباح یزدی، محمدتقی، ۱۳۸۴، ره توشه، قم، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی
۴۸. _____، ۱۳۷۶، بر درگاه دوست، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه
۴۹. ممدوحی، حسن، ۱۳۸۱، شهود و شناخت، قم، سماء
۵۰. منسوب به امام صادق علیه السلام، ۱۴۰۰، مصباح الشریعة، بیروت، أعلمی

۵۱. میرزای قمی، ابوالقاسم، ۱۳۷۸، قوانین الأصول، تهران، مکتبه‌العلمیه‌الاسلامیه
۵۲. نصر، سید حسین، مترجمان: امینی، ه و حیدری، ح، تابستان ۱۳۸۲، اسلام برای عرضه به دنیای جدید چه دارد؟، قبسات، شماره ۳۲
۵۳. _____، مترجم: میاندری، حسن، ۱۳۷۸، نیاز به علم مقدس، قم، موسسه طه

